

## پیشگفتار ویراست چهارم

بیش از هجده سال از چاپ اول کتاب *مقدمات نوروسایکولوژی می گذرد* و در شانزده چاپ گذشته تغییرات و اصلاحاتی در آن انجام گرفته است ولی چند سال بود که افزودن یک فصل جدید در مورد ایمنی‌شناسی در این کتاب لازم به نظر می‌رسید زیرا سالهاست ارتباط بسیار زیاد دستگاه ایمنی بدن با دستگاه عصبی - روانی مورد توجه دانشمندان قرار گرفته و در این مورد تحقیقات فراوان در حال انجام است.

در چاپ هفدهم این کار انجام شد تا دانشجویان علوم مغز و اعصاب و روان‌شناسی اطلاعات جامع‌تری در مورد این رشته از علوم در اختیار داشته باشند و ارتباط رفتار بهنجار و نابهنجار آدمی و منشأ بروز بیماریها با شناخت وسیع‌تری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

امید است افزایش این فصل منظور نویسنده را بیش از پیش عملی سازد و دانشجویان تصویر جامع‌تری در مورد منشأ بیماریها و در نتیجه تشخیص و درمان بهتر به دست آورند.

## مقدمه

«بارزش‌ترین روش تفکر، برای وصول به  
یک سیستم منسجم و منطقی، الهام است.»  
(آلبرت اینشتین)

ارتباط مغز و روان ممکن است بسیار بدیهی به نظر برسد و بر همین منوال در این کتاب با عنوان *مقدمات نوروسایکولوژی* سعی شده است طبق موازین کلاسیک و آکادمیک، رفتار هنجار و نابهنجار آدمی از طریق شناخت مغز و دستگاه عصبی توجیه شود. اعتقاد دارم چنین تفکری، هرچند به صورت موقت و در زمان حاضر عملی و مقرون به استفاده است، ولی لازمه دانش‌پژوهی آن است که گاهی حتی در بدیهیات و در اصول نیز شک روا داریم. آیا روان از تراوشات و تظاهرات مغز آدمی است؟ پس از بررسی کلاسیک ساختمان‌شناسی، کارکرد و آسیب‌شناسی دستگاه عصبی در ضمن این کتاب، در فصل آخر سعی شده است نظریات جدیدی در مورد ساختمان و کارکرد موجودات ارائه شود.